



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۵/۳۱

نویسنده پوهاند بشیر احمد زکریا  
ترجمه: رحمت آریا

## جنگ های بی پایان راه حلی برای طولانی ترین جنگ امریکا میکانیزم جدید برای صلح دوامدار جهانی نقش کرونا - ۱۹ قسمت چهاردهم

پوهاند متقاعد و لکچرر خاص پوهنتون کولمبیا، پوهنځی دکترین طب و جراحان  
نیویورک

### فصل نهم تکامل دولت های ملی از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح

۱. تاریخ ثابت می کند که تحول "طبیعت بشر" بدون علم اصلاح نسل<sup>1</sup> امکان پذیر است.  
۲. تاریخ بشریت نشان می دهد که تمدن های زیادی از درگیری ها و جنگ به سمت جوامع مسالمت آمیزتری تحول  
نموده اند البته با استثنائات خاص بعد از جنگ جهانی اول و جنگ دوم جهانی. این روند تحول جامعه را می توان  
در حالی مشاهده کرد که امپراتوری روم با جنگ های کمتری به ایتالیا تبدیل شد؛ جنگهای ناپلئونی با جنگهای کمتری  
به جمهوری فرانسه منتهی شد؛ امپراتوری برتانیه با جنگ های کمتر به کشور های مشترک المنافع مبدل گشت؛ به  
دنبال جنگ دوم جهانی امپراتوری جاپان به یک سلطنت دموکراتیک مبدل شد و از آن زمان تا کنون در هیچ جنگی  
دخیل نبوده است؛ امپراتوری آلمان سرانجام به جمهوری دموکراتیک آلمان تبدیل شد و جنگ دوم جهانی نیز سازمان  
ملل متحد و اتحادیه اروپا را به میان آورد. جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی دو استثنائات بزرگ در قرن بیستم  
استند، باید آنها را به عنوان انحراف بزرگ تمدن اروپا در نظر گرفت، که ناشی از دگماتیسم- نظامی گری و نشنلیزم  
(فاشیزم) است.

۳. جنگ های نیابتی و تروریستی امروز را ممکن به عنوان یک انحراف جدید دیگری از افراط گرایی مسلمانان و  
تروریسم و شمار دیگر از افراط گرایی های مذهبی زمانهای گذشته را نتیجه و پیامد دگماتیسم مذهبی و ملی گرایی  
تلقی کرد.

### اتصال بی طرفی دائمی ملت ها به صلح جهانی

همانطوریکه در بالا گفته شد، نظریات و تلاش های قبلی برای ایجاد شیبه "صلح جهانی" برای مدت کوتاهی به طول  
می انجامد و سپس جنگ آغاز می شود. مفهوم صلح جهانی را این زعماء به زعم خود آزمودند: الکساندر کبیر،  
مارکس اورلیوس<sup>2</sup>، ناپلئون، تزار الکسندر اول<sup>3</sup>، مَهْمَت «محمد» دوم امپراتوری عثمانی<sup>4</sup>، اکبر کبیر

<sup>1</sup> - eugenics

<sup>2</sup> - Marcus Aurelius

<sup>3</sup> - Tsar Alexander

<sup>4</sup> - Mehmet II of Ottoman Empire

امپراتوری مغول<sup>5</sup>، ملکه ویکتوریا امپراتریس برتانیه<sup>6</sup>، هیتلر رایش سوم<sup>7</sup>، جوزف ستالین<sup>8</sup> از اتحاد جماهیر شوروی و غیره. همه آنها ناکام ماندند زیرا صلح جهانی به زور یا با جنگ برقرار نمی شود و یا به زبان ساده جنگ موجب جنگ میشود و از صلح، صلح زاده میشود. صلح جهانی تنها در صورتی پایدار می ماند که ملل - بزرگ و کوچک برای منافع مشترک شان به اجماع برسند، چنان اجماعی که حداقل برای منافع علیای بشریت و حداکثر برای بقای بشریت در قرن جاری حاصل شود.

باید بخاطر بسیاری که تلاشهای که برای صلح پایدار صورت گرفته مانند پیمان وستفالیای<sup>9</sup> ۱۶۴۸م، کنگره وینا ۱۸۱۵م، پیمان ورسای ۱۹۱۹م<sup>10</sup>؛ پیمان صلح سازمان ملل ۱۹۴۶ (با ۵۶۰ معاهدات چندین جانبه، حقوق بشر، خلع سلاح، تحفظ محیط زیست، منشور ملل متحد و غیره و غیره)، تاکنون همه آنها شکست خورده اند! شکی نیست که انسان پیچیده است و دولت های ملی با رهبری خود با وسعت بیشتر پیچیده تر اند، و هرکدام شان بلند پروازیها و جاه طلبی های سیری ناپذیر و نیازهای روانشناختی خاص خود را دارند. در ذیل از نظر گذشتاندن منشور سازمان ملل متحد با مفاهیم و نظریات موجود در تحولات کنونی، ما را نسبت به آینده بشری خوشبین می سازد.

## نقش مهم سازمان ملل متحد در راه نیل به صلح جهانی

### مقدمه منشور سازمان ملل متحد

ما مردم ملل متحد متعهد استیم به:

- مصوون داشتن نسل های آینده از بلای جنگ که دو بار در طول حیات ما افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده است
- با تأیید مجدد باورمندی خود نسبت به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت ها اعم از کوچک و بزرگ و
- ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام به الزامات ناشی از عهد نامه ها و سایر منابع حقوق بین المللی و
- کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی فراخ دامن و بیشتر، و برای نیل به این اهداف
- با رفق و مدارا با یکدیگر در حالت صلح و با روحیه حسن همجواری با همسایگان زیستن و
- به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی و
- به قبول اصول و ایجاد روش هایی که عدم استفاده از نیرو های مسلح را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید و
- به توسل به وسائل و مجاری بین المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی برای همه مردم

**مصمم شده ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نماییم،**

و در نتیجه دولت های متبوع ما توسط نمایندگان خود که در شهر سانفرانسیسکو گرد آمده اند و اختیارات تامه آنان ابراز و صحت و اعتبار آن محرز شناخته شده است و نسبت به این منشور ملل متحد موافقت حاصل نموده اند و بدینوسیله یک سازمان بین المللی که موسوم به ملل متحد خواهد بود تأسیس می نمایند [12].<sup>11</sup>

شکی نیست که جامعه ملل پس از دوران بیست و سه سال و پس از جنگ ویرانگر دوم جهانی، منجر به تأسیس و تشکیل سازمان ملل متحد شد. این ادغام مهمترین واقعه تاریخ بود که سرانجام یک نهاد جهانی مانند سازمان ملل متحد توانست نقش صلح ساز را بازی نماید و امید می رود که نایل به صلح جهانی پایدار شود. توسعه سازمان ملل

5 - Akbar the Great of Mongol Empire

6 - Queen Victoria's British Empire

7 - Hitler of Third Reich

8 - Joseph Stalin of Soviet Union

9 - Westphalia

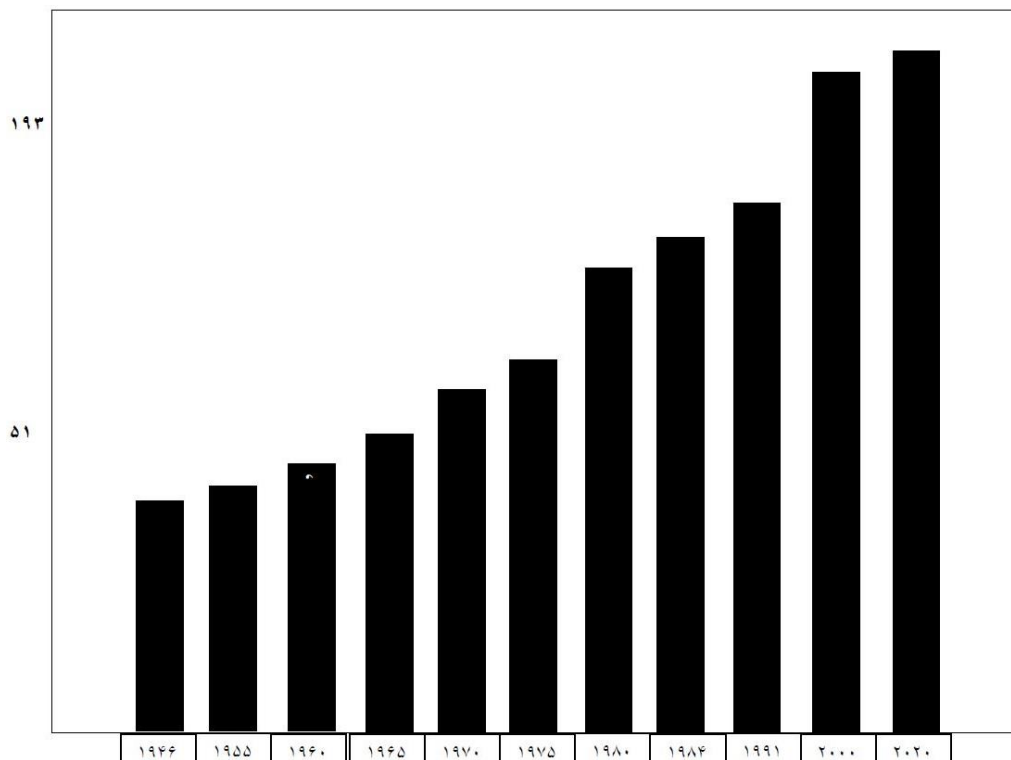
10 - Versailles Treaty

11 - جامعه ملل در سال ۱۹۲۱م آغاز شد. از ۱ - ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ با ۴۴ کشور عضو در لندن تأسیس شد و در سال ۱۹۴۶ قانون اساسی یونسکو پذیرفته شد. در سال ۱۹۷۸ اعلامیه نژاد و تعصب نژادی گنجینه شد. افریقای جنوبی در سال ۱۹۵۶ با مخالفت با انتشارات سازمان یونسکو خارج شد و در سال ۱۹۹۴ توسط نیلسن مندیلا احیاء شد. یونسکو عضو گروپ انکشاف ملل متحد است. مؤلف

12 - منشور ملل متحد (متن کامل - گوگل). صلح، عزت و برابری در یک سیاره سالم. مواد اقلام ۱۰ و ۱۲ در رابطه با صلح قطعنامه - قابل بحث است که می توان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد آنرا در معرض رأی قرار داد و مجمع عمومی نیز به نوبه خود می تواند به شورای امنیت سازمان ملل پیشنهاد دهد. مؤلف

متحد از پنجاه و یک عضو منشور در سال ۱۹۴۶م به ۱۹۳ کشور عضو، چشمگیرترین دستاورد بشریت برای بزرگترین آرزوی آن است. در سالنامه‌های تاریخ بشری چنین مجتمع بزرگ با نمایندگان هر قاره از هر نژاد، هر فرهنگ و ملتی دیده نشده است. این توسعه در تعداد نباید به وقوع می‌پیوست مگر اینکه نیروهای سازنده صلح جهانی وجود نه می‌داشت از قبیل:

- کاهش در خشونت
- کاهش در جنگ‌های بزرگ
- کاهش مرگ و میر در جنگ‌ها
- افزایش در سن و سال، طول عمر
- توسعه و تعمیم هر چه بیشتر معارف و سواد
- توسعه معیار طرز زندگی و افزایش در تولید ناخالص ملی
- افزایش در ثروت ملل
- کاهش مرگ‌ها ناشی از امراض ساری و پرازیتی
- کاهش در گرسنگی
- کاهش در فقر
- افزایش در ارتباطات و تکنالوژی معلوماتی
- پیشرفت سرسام آور در ساینس و تکنالوژی
- پیشرفت‌ها در علوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای حل منازعات
- گسترش دامنه دیموکراسی به عنوان بزرگترین نیروی سازنده
- افزایش در به رسمیت شناختن و پذیرش دولت‌های ملی در سازمان ملل متحد (به شکل ۱ رجوع کنید)
- افزایش در مذاکرات صلح و ملت‌سازی
- افزایش کمک‌های ملی صندوق وجهی جهان به کشورهای رو به انکشاف
- افزایش در شمار کشورهای رو به انکشاف
- افزایش در شمار کشورهای مسرور و خوشحال جهان
- افزایش در شناخت حقوق بشر
- پیشرفت‌های خیلی بزرگ در علم طب (علم صحت)



تعداد کشورهای عضو که از سال ۱۹۴۶ توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده‌اند  
شکل ۱

## توسعه عضویت در سازمان ملل متحد

چارت بالا تعداد رو به توسعه دولت های ملی را نشان می دهد که به احتمال زیاد نتیجه نیروهای سازنده آزادی ، تعیین سرنوشت ، تعداد فزاینده نهادهای رفاهی مردم ، افزایش عمومی مشارکت شهروندان از نظر اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی است (نیرو های دیموکراسی در میدان عمل)

ادامه دارد

### فصل دهم

خبر خوش در مورد تقلیل روند جنگهای بزرگ